

خروج یک‌جانبه دولت‌ها از تعهدات بین‌المللی و پیامدهای حقوقی آن با تأکید بر برجام

مریم هندی^۱

محسن طاهری^۲

چکیده:

بسیاری از اعمال و تصمیم‌های دولت‌ها در عرصه بین‌المللی، به‌طور یک‌جانبه انجام و اتخاذ می‌شود. شاید این ویژگی طبیعی جهان کنونی باشد. دولت‌ها خود را به‌وسیله اعمال یک‌جانبه متعهد می‌کنند و نسبت به اعمال یک‌جانبه دولت‌های دیگر ذی‌حق می‌دانند. به همین دلیل «یک‌جانبه‌گرایی» را ویژگی «به‌شدت قابل توجه» روابط بین‌المللی دانسته‌اند. از آنجایی که برنامه هسته‌ای ایران، از نظر غرب ظرفیت دستیابی به سلاح هسته‌ای دارد و این برنامه، همراه با غرب ستیزی جمهوری اسلامی، برای غرب و به‌ویژه آمریکا یک تهدید امنیتی تلقی می‌شود؛ لذا غرب برای محدود کردن ظرفیت هسته‌ای ایران دو رویکرد کلی ارائه داد که یکی راه‌حل مسالمت‌آمیز یا اقدامات تنبیهی و دیگری برخورد نظامی بود. غربی‌ها ابتدا راه‌حل نخست، که منطبق با منشور ملل متحد نیز بود را پذیرفتند که این دیدگاه بر چندجانبه‌گرایی و نقش سازمان‌های بین‌المللی تأکید داشت و مذاکرات میان ایران و شش قدرت جهانی نهایتاً به امضای توافق «برنامه جامع اقدام مشترک» یا «برجام» انجامید. بر اساس این توافق، ایران محدودیت‌های گسترده بر برنامه هسته‌ای را پذیرفت و در عوض تحریم‌های سازمان ملل و همچنین تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و اروپا لغو شد. این توافق مربوط به امنیت بین‌المللی بود و عین توافق در شورای امنیت سازمان ملل به تصویب رسید؛ اما متأسفانه آمریکایی‌ها برجام را خلاف منافع ملی دانستند و به‌طور یک‌جانبه از آن خارج شدند. این مسئله خود نمونه‌ای از ناکارآمدی شورای امنیت در حفظ یک توافقنامه مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی بوده است و مسئله ضمانت اجرا و احترام به قواعد بین‌المللی را مجدداً در اذهان حقوق‌دانان مطرح ساخت. نویسندگان در این مقاله مسئله خروج آمریکا از این تعهد بین‌المللی و پیامدهای آن را از منظر حقوقی مورد نقد و بررسی قرار می‌دهند.

واژگان کلیدی: برجام، برنامه هسته‌ای ایران، آمریکا، شورای امنیت سازمان ملل، معاهده.

^۱ دانشجوی ارشد گروه حقوق عمومی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

^۲ استادیار گروه حقوق عمومی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

مقدمه

برنامه هسته‌ای ایران بعد از دو دهه فراز و نشیب نهایتاً با مذاکرات طولانی و طاقت‌فرسا منجر به توافقی شد که امضای نمایندگان شش کشور قدرتمند دنیا، نماینده اتحادیه اروپا و صدور قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد را به عنوان اهرم اجرایی آن برای کشورهای عضو به همراه داشت. بر اساس برجام (برنامه جامع اقدام مشترک)^۱، پرونده هسته‌ای ایران بعد از ده سال بررسی از شورای امنیت سازمان ملل متحد خارج و به تحریم‌های شورای امنیت و اتحادیه اروپا خاتمه داده شد، دولت آمریکا تعدادی از افراد حقیقی و مؤسسات مالی ایرانی از جمله بانک مرکزی و شرکت ملی نفت ایران را از فهرست تحریم‌های خود خارج کرده و اقدام به واردات فرش و مواد غذایی از ایران و فروش هواپیمای مسافربری و قطعات آن به ایران نمود، لکن دونالد ترامپ با طرح ادعاهایی از جمله ناقص بودن مفاد برجام زمینه را برای خروج این کشور از این معاهده ایجاد نمود^۲.

و تلاش دولت‌های اروپایی برای حل موضوع نتیجه‌ای در برنداشت^۳، نهایتاً رئیس‌جمهور آمریکا در تاریخ ۸ می ۲۰۱۸ تصمیم خود را درباره خاتمه دادن به برجام اعلام کرد و خروج از برجام بر اساس اختیار حاصل از قانون اعلام کرد و خروج از برجام بر اساس اختیار حاصل از قانون «اختیارات رئیس‌جمهوری در خصوص تأمین امنیت ملی»^۴ صورت گرفت. با خروج آمریکا از برجام، «اداره کنترل دارایی خارجی وابسته به وزارت کشور»^۵ بیانیه‌ای منتشر کرده و تمامی تحریم‌های لغو شده قبلی به‌موجب برجام را باز اعمال نمود، روابط تجاری در بیست و شش ماهی که بین ایرانی‌ها و شهروندان آمریکایی برقرار شده بود به سرعت و یکباره نمی‌توانست تعطیل شود، از این رو مهلت‌های نود تا صد و هشتاد روزه تعیین شد که این مهلت از ۱۶ جون ۲۰۱۶ تا ۸ می ۲۰۱۸ در نظر گرفته شد که در این مهلت‌ها باید طرفین قرارداد اقدام به فسخ و خاتمه دادن قراردادهای تجاری خود می‌نمودند.

۲- مفهوم شناسی

الف- جامعه بین‌الملل: نظریه جامعه بین‌المللی که ریشه در سنت خردگرایی یا سنت گروسیوسی دارد ازجمله رهیافت‌های روابط بین‌الملل است که برخلاف واقع‌گرایی که بر نظام بین‌الملل تأکید داشت، بر جامعه بین‌الملل یا به عبارت دقیق‌تر «جامعه‌ای مرکب از دولت‌ها» تأکید داشته و قواعد، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک در میان جوامع را مورد توجه قرار می‌دهد. این نظریه از اواخر دهه ۱۹۵۰ مطرح شد، اما در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ این برداشت به وجود آمد که آراء نظریه‌پردازان این مکتب بیش از آنکه جنبه «علمی» داشته باشد، در سنت اندیشه

^۱ Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA).

^۲ Mark Dobovits, ۲۰۱۵ at ۲۶-۲۷

^۳ Murat Aslan, "The Economic Consequences of the US Withdrawal from the Nuclear Deal", IRAM, (۲۰۱۸), available at: <https://www.researchgate.net/publication/۳۲۸۶۰۳۳۲۳>

^۴ National Security Presidential Memorandum NSPM.

^۵ Office of Foreign Assets Control (OFAC).

سیاسی قرار دارد و بنابراین نسبت به امکان بقای آن ابراز تردید می‌شد؛ اما از نیمه دهه ۱۹۸۰ و به‌ویژه ۱۹۹۰ که گزاره‌های اثبات‌گرایی زیر سؤال رفته و نظریاتی مانند سازه‌انگاری مطرح شد، به‌تدریج نظریه جامعه بین‌الملل در علم روابط بین‌الملل نیز مورد توجه و ارزیابی مجدد قرار گرفت. معرفت‌شناسی در این نظریه نیز با توجه به ابعاد هنجاری هستی‌شناسی فوق بر تفسیرگرایی و نگاه تاریخی استوار بوده و بر ابعاد فرهنگی و گفتمانی واقعیت بین‌المللی تأکید داشته و از این رو نقش قواعد را در تکوین آن بسیار مهم قلمداد می‌کنند.^۱

«هدلی بول» از جمله نظریه‌پردازان این رویکرد، مقصود از جامعه بین‌الملل یا جامعه مرکب از دولت‌ها را وجود «گروهی از دولت‌ها که با آگاهی از منافع و ارزش‌های مشترک، به یک جامعه شکل می‌دهند، می‌داند؛ به این معنا که تصور می‌کنند مجموعه‌ای مشترک از قواعد، آن‌ها را در روابطشان با یکدیگر مقید می‌کند و در کارکرد نهادهای مشترکی سهیم‌اند»^۲ درواقع این مفهوم از لحاظ کیفی با دیدگاه مکانیکی نسبت به دولت‌ها به‌عنوان واحدهای کاملاً مستقلی که در شرایط آشوب‌زدگی صرفاً به دنبال منافع خویش هستند، متفاوت است. اصولاً جامعه بین‌المللی زمانی پا به عرصه وجود می‌گذارد که گروهی از دولت‌ها از یک سلسله منافع و ارزش‌های مشترک خاص آگاهی داشته تا جامعه‌ای را به وجود آورند؛ به صورتی که آن‌ها خویششان را مقید و متعهد به مجموعه مشترکی از مقررات در روابط با یکدیگر نمایند و درعین حال در عملکرد نهادهای مشترک سهیم باشند.^۳

بر اساس این نظریه دولت‌ها هر چند به دنبال مافوق مشترک نیستند، اما جامعه‌ای واقعی تشکیل می‌دهند که آثار آن در نهادهایی مانند حقوق بین‌الملل قابل مشاهده است؛^۴ بنابراین، قواعد و مقررات مشترک مورد بحث در این نظریه موجب تأکید بر مفهوم حقوق بین‌الملل گردیده و از این رو آراء حقوقدانانی نظیر «هوگو گروسیوس» نقش مهمی در ایده‌پردازی در این نظریه داشته است. گروسیوس از جمله نخستین دانشمندانی است که در شکل‌گیری اولیه و تدوین حقوق بین‌الملل نقش مهمی ایفا کرده است.^۵ همچنین نظم در جامعه بین‌الملل بر اساس سه مؤلفه ۱- منافع مشترک اعضا در اهداف اولیه، ۲- قواعدی که الگوی رفتار لازم برای تداوم آن‌ها را تجویز می‌کنند و ۳- نهادهایی که موجب کارایی این قواعد می‌شوند، حفظ می‌گردد. لذا تخطی از قواعد مذکور ممکن است صورت گیرد، اما کارایی آن‌ها منوط به درجه‌ای از اطاعت آن‌هاست. این نهادها هستند که با کارکردهای خود یعنی وضع قواعد، اعلام، اداره، تفسیر، اجرا و حمایت از قواعد، آن‌ها را کارآمد می‌سازند.^۶ درواقع پیروان این مکتب علت صلح و ثبات، کاهش تعارضات و افزایش همکاری‌ها در سیاست بین‌الملل را در ایفای نقش توسط نهادها، قواعد و هنجارهای

^۱ مشیرزاده، ۱۳۹۵، ص ۱۵۴

^۲ همان، ص ۱۵۹

^۳ محسنی و دیگران، ۱۳۹۴، ش ۱۸، ص ۱۷۴

^۴ ابراهیمی، زمانیان، ۱۳۸۹، ش ۲۹، ص ۱۴

^۵ ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۵، ص ۲۸

^۶ مشیرزاده، ۱۳۹۴، صص ۱۶۳-۱۵۴

بین‌المللی می‌دانند.^۱ به عبارت دیگر آنچه به نظم در عرصه بین‌المللی قوام می‌بخشد هنجارهای مربوط به قرارداد و حفظ قول یا وفای به عهد است.^۲

ب- اعمال یک‌جانبه دولت‌ها: دولت‌ها می‌توانند برای نیل به مقاصد خود در عرصه بین‌الملل از اعمال یک، دو یا چندجانبه استفاده کنند. اگرچه در منابع حقوق بین‌الملل مصرح در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، نامی از اعمال و تصمیمات یک‌جانبه دولت‌ها برده نشده است و پذیرش این امر، یعنی ایجاد حق بین‌المللی به اراده یک‌جانبه دولت‌ها می‌تواند تبعات خطرناکی از جمله معاهده‌گریزی دولت‌ها و روی آوردن به یک‌جانبه‌گرایی در پی داشته باشد، لیکن در حال حاضر، بر اساس حقوق بین‌الملل، دولت‌ها با اعمال یک‌جانبه‌ای که انجام می‌دهند، اغلب برای خود تعهد ایجاد می‌کنند؛ و ماده ۳۸ (۱) اساسنامه دیوان نیز در مقام بیان منابع حقوق بین‌الملل به نحو حصری نبوده است. از میان انواع مختلف اعمال یک‌جانبه در حقوق بین‌الملل می‌توان به اعمال شرط نسبت به معاهدات و اعلامیه اختیاری پذیرش صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری طبق ماده ۳۶ اساسنامه دیوان و اعلامیه یک‌جانبه استقلال اشاره کرد.^۳

رویکردها در خصوص اعمال یک‌جانبه متفاوت است. برخی نویسندگان اعمال یک‌جانبه را تضعیف مشروعیت نظم بین‌المللی می‌دانند. از دید پیر ماری دوپویی یک‌جانبه‌گرایی دو بعد حقوقی و سیاسی دارد. از لحاظ حقوقی مبین ابراز اراده یکی از تابعان حقوق بین‌الملل و از بعد سیاسی حاکی از تمایل عمومی دولت‌های قدرتمند یا گروهی از دولت‌ها به انجام اقداماتی بدون احترام به حاکمیت برابر دیگر دولت‌ها برای دستیابی به برخی اهداف معین است. مایکل رازمن نیز معتقد است اعمال یک‌جانبه در موارد خاصی جایگزین یک تصمیم حقوقی می‌شوند.^۴

ج- تبیین ماهیت برجام (برنامه جامع اقدام مشترک): پس از جمع‌بندی متن نهایی برجام به‌وسیله طرف‌های مذاکره‌کننده، بر اساس توافق صورت گرفته،^۵ در فاصله کوتاهی قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص تأیید برجام مطرح و به تصویب رسید.^۶ از همین رو یکی از موضوعات حقوقی که پیرامون توافق

^۱ ابراهیمی و زمانیان، ۱۳۸۹، ص ۱۴

^۲ مشیرزاده، ۱۳۹۴، ص ۱۴۱

^۳ شایگان و دیگران، ۱۴۰۰، ش ۲، ص ۶۸۲

^۴ همان، ص ۶۸۳

^۵ بند «ن» برنامه جامع اقدام مشترک مقرر می‌دارد: «ن. گروه ۱ + ۵ پیش نویس قطعنامه ای تأییدکنندهی این برجام را برای تصویب به شورای امنیت ارائه خواهد کرد که تأکید می‌نماید که انعقاد این برجام نشانگر یک دگرگونی بنیادین در بررسی این موضوع توسط شورای امنیت بوده و تمایل شورا برای برقراری یک رابطه جدید با ایران را اعلام می‌نماید. این قطعنامه شورای امنیت، همچنین لغو تمامی مفاد وضع شده وفق قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت از روز اجرا؛ ایجاد برخی محدودیت‌های خاص؛ و خاتمه بررسی موضوع هسته ای ایران توسط شورای امنیت سازمان ملل ۱۰ سال پس از روز توافق برجام را مقرر خواهد نمود».

^۶ شورای امنیت سازمان ملل در نشست ۷۴۸۸ در تاریخ ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵، قطعنامه ۲۲۳۱ که به پیشنهاد ایالات متحده آمریکا تقدیم گردیده بود را با ۱۵ رای مثبت و اتفاق آرا به تصویب رساند.

http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/۲۹/۲۸۲۰۱۵/۲۲۳۱

برای مطالعه متن مشروح مذاکرات جلسه شورای امنیت، ر.ک:

http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/PV.۷۴۸۸

ایران و ۱+۵ مطرح است و در جایگاه بررسی ماهیت برجام نقش تعیین کننده‌ای خواهد داشت، پاسخگویی به این سؤال است که آیا برجام یک توافق نامه بین‌المللی بوده و باید آن را در ذیل موضوعات حقوق معاهدات مورد بررسی قرار داد و یا ماهیت آن قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد است و یا ماهیت دیگری متفاوت از این دو دارد؟

اهمیت این موضوع در آن است که سیر و روند قانونی بررسی متن نهایی برجام و حدود صلاحیت و نحوه تأثیرگذاری هر یک از نهادهای موجود در نظام حقوق داخلی جمهوری اسلامی ایران در صورت تفاوت ماهیت برجام (توافق یا قطعنامه یا هر ماهیت دیگر)، متفاوت خواهد بود. به نظر می‌رسد سه فرض کلی در خصوص ماهیت حقوقی برجام و تعهدات مذکور در آن، قابل ذکر و بررسی می‌باشد:

فرض اول؛ برجام، ضمیمه ماهیت قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد

بر مبنای این فرض، با عنایت به تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد، برجام ماهیتاً پیوست قطعنامه شورای امنیت تلقی می‌گردد. طرف‌های مذاکره کننده پس از دستیابی به جمع‌بندی نهایی، بر تصویب متن نهایی برجام در قالب ضمیمه قطعنامه شورای امنیت توافق نموده، به دنبال تضمین اجرای برجام از طریق سازوکارهای مورد پذیرش حقوق بین‌الملل برآمده و بدین منظور متن برجام را ضمیمه قطعنامه شورای امنیت نموده‌اند. از همین رو برنامه جامع اقدام مشترک، ماهیتی متفاوت از قطعنامه شورای امنیت نداشته و به‌عنوان ضمیمه آن تلقی می‌شود و الزام حقوقی به اجرای تعهدات مندرج در برجام نیز به استناد الزام به موضوعات مندرج در قطعنامه‌های شورای امنیت می‌باشد. در نتیجه بر مبنای این فرض به منظور بررسی ماهیت تعهدات جمهوری اسلامی ایران باید به سراغ متن قطعنامه و نحوه الزامی شدن آن در نظام حقوق داخلی ایران رفت.

در تحلیل و بررسی این فرض می‌توان گفت بر مبنای ادله موجود در متن برجام و همچنین اظهارنظرهای صورت گرفته به وسیله هیئت مذاکره کننده ایرانی؛ قطعنامه و برجام ماهیتی دوگانه و متفاوت از یکدیگر دارند و علت الزام‌آور بودن برجام صرفاً الزام ناشی از قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل نیست. از بند ۱۸ متن برنامه جامع اقدام مشترک برمی‌آید که «مفاد قطعنامه شورای امنیت به منزله مفاد برجام نیست»^۱ علاوه بر این از توالی اقدامات مشخص

^۱ «قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد که برجام را تایید خواهد نمود تمام مفاد قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت در خصوص موضوع هسته‌ای ایران - ۱۶۹۶ (۲۰۰۶)، ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (۲۰۰۸)، ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) و ۲۲۲۴ (۲۰۱۵) - را همزمان با اجرای اقدامات توافق شده مرتبط با هسته‌ای توسط ایران، راستی‌آزمایی شده توسط آژانس، به نحو مشخص شده در پیوست ۵ لغو خواهد کرد و محدودیت‌های خاصی را به نحو مشخص شده در پیوست ۲ برقرار خواهد نمود؛ در پاورقی متن نهایی برجام صریحاً اشاره شده است که «مفاد این قطعنامه به منزله مفاد این برجام نیست»:

شده در بند ۳۴ برجام^۱ و پیوست شماره ۲۵ که تحت عنوان برنامه اجرا، جمع‌بندی و تأیید گردیده نیز می‌توان دریافت که قطعنامه شورای امنیت و متن نهایی برجام متفاوت بوده و نمی‌توان برجام را صرفاً ضمیمه قطعنامه دانست. علت این امر آن است که در بند «و» پیوست مورد اشاره ابتدا به روز نهایی شدن توافق اشاره می‌نماید و تصویب قطعنامه شورای امنیت را به منزله تأیید نهایی متن توافق می‌پندارد. درحالی‌که روز قبول و اثربخشی توافق ۹۰ روز بعد یا تاریخی که با رضایت طرفین مقرر می‌شود، در نظر گرفته شده است. با وجود این در صورتی که برجام ضمیمه قطعنامه تلقی می‌گردید و الزام آن، ناشی از قطعنامه شورای امنیت دانسته می‌شد، مفهوم روز قبول توافق و همچنین اثربخشی به آن (بند ۵ از قسمت ب از پیوست ۵) بی‌معنا بوده و از هنگام تصویب متن نهایی قطعنامه در شورای امنیت، برجام نیز لازم‌الاجرا تلقی می‌گردید. مضاف بر اینکه اظهارات اعضای هیئت مذاکره‌کننده ایرانی مبنی بر تمایز میان قطعنامه و برجام، آمارهای بر تفاوت ماهیت آن دو می‌باشد.^۳

فرض دوم؛ قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد فرع بر برجام

بر اساس این فرض، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص موضوع هسته‌ای ایران فرع بر توافق برجام می‌باشد. این فرض بیان می‌دارد که برجام یک توافق بین‌المللی بوده و پس از جمع‌بندی به وسیله نمایندگان کشورهای طرف مذاکره (ایران و ۱ + ۵) به تأیید رسیده و برای اظهار نظر کشورهای متعاهد مطابق با

^۱ ۳۴. ایران و گروه ۱ + ۵ تعهدات خود وفق برجام را بر اساس توالی مشخص شده در پیوست ۵ اجرا خواهند کرد. نقاط عمده برای اجرا به شرح زیر می‌باشد:

الف. روز نهایی شدن، تاریخی است که در آن مذاکرات این برجام میان گروه ۱ + ۵ و ایران جمع‌بندی شده، و بی‌درنگ به دنبال آن، قطعنامه‌ای که این برجام را تأیید می‌نماید به شورای امنیت سازمان ملل برای تصویب بدون تأخیر تسلیم خواهد شد.
ب. روز توافق، نود روز پس از تأیید این برجام توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد، یا تاریخ مقدمی که با رضایت متقابل اعضای برجام تعیین شود خواهد بود که در آن، این برجام و تعهدات مندرج این برجام از تأثیر برخوردار خواهند شد. از این روز، اعضاء برجام آغاز به فراهم آوردن ترتیبات و تمهیدات لازم برای اجرای تعهدات خود وفق برجام خواهند نمود.

^۲ الف) روز نهایی شدن

متعاقب جمع‌بندی مذاکرات این برجام، گروه ۱ + ۵ (چین، فرانسه، آلمان، فدراسیون روسیه، انگلیس و ایالات متحده، با نماینده عالی اتحادیه اروپایی در امور خارجی و سیاست امنیتی) و ایران این برجام را تأیید خواهند نمود.
بلافاصله بعد از جمع‌بندی مذاکرات این برجام، قطعنامه پیشنهادی شورای امنیت سازمان ملل متحد که در بخش ۱۷ این پیوست بدان اشاره شده است، جهت تصویب بدون تأخیر، تسلیم شورای امنیت سازمان ملل متحد خواهد شد.

ب) روز قبول توافق

«روز قبول توافق»، ۹۰ روز پس از تأیید این برجام از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد از طریق قطعنامه‌ای که در بالا بدان اشاره شد یا در تاریخی زودتر از آن از طریق موافقت متقابل همه مشارکت‌کنندگان برجام خواهد بود و در این تاریخ این برجام واجد اثر خواهد شد.

^۳ برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: عراقچی: قطعنامه، نقض «برجام» نخواهد بود قابل دسترسی در پایگاه اطلاع‌رسانی مشرق به آدرس:

روند قانونی طراحی شده در حقوق داخلی کشورها و در فرصتی ۹۰ روزه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. به بیان دقیق‌تر قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل از حیث ماهیت، ماهیتی جدای از برنامه جامع اقدام مشترک ندارد.

نتیجه عملی چنین فرضی، آن است که در صورت عدم تصویب متن برجام مطابق با نظام حقوق داخلی کشورهای متعاقد، قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل نیز موضوعیت نخواهد یافت.^۱

در مقام تحلیل و بررسی این فرض باید بیان نمود که فرع دانستن قطعنامه بر متن نهایی توافق و گره زدن موجودیت آن به تصویب نهایی برجام در کشورهای عضو به علت آنکه موضوعات موجود در قطعنامه صرفاً تعهدات موجود در برجام نیست^۲ غیرقابل پذیرش می‌باشد. در این خصوص باید بیان نمود که هر چند برجام به عنوان یکی از پیوست‌های قطعنامه شورای امنیت دانسته شده و همچنین در متن برجام به لزوم تصویب قطعنامه اشاره گردیده، اما الزامات ذکر شده در قطعنامه صرفاً تعهدات توافق شده در برجام نبوده و موضوعات دیگری را نیز شامل می‌شود. از همین رو قطعنامه دارای ماهیتی فراتر از فرع بر برجام بوده و فرض مذکور صحیح به نظر نمی‌رسد.

فرض سوم؛ برجام و قطعنامه؛ دو متن با ماهیتی جداگانه

همان‌گونه که در مقام تحلیل و بررسی فروض گذشته روشن گردید، نمی‌توان گفت برجام صرفاً ضمیمه قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل بوده که از این حیث الزام‌آور محسوب گردد و همچنین نمی‌توان برنامه جامع اقدام مشترک را یک توافقنامه بین‌المللی دانست و قطعنامه شورای امنیت را صرفاً فرع بر آن مفروض داشت. بر همین اساس فرض سوم، قطعنامه شورای امنیت و برجام را دو متن با دو ماهیت متفاوت می‌داند. در تبیین این موضوع می‌توان گفت متن جمع‌بندی نهایی هیات‌های مذاکره کننده ایران و ۵ + ۱ که به تأیید طرفین رسیده است، یک موافقتنامه بین‌المللی محسوب می‌گردد و باید مطابق با قواعد حقوق داخلی کشورها در زمینه حقوق معاهدات بین‌المللی مورد بررسی و تصویب قرار گیرد و از سوی دیگر کشورهای متعاقد ملزم به اجرای مفاد و مقررات قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل نیز هستند. وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در این خصوص تصریح می‌نماید: «ما یک توافق داریم که نام آن برنامه جامع اقدام مشترک و بیش از ۱۰۰ صفحه است، یک قطعنامه شورای امنیت و یک ضمیمه قطعنامه هم داریم. توافق، آن چیزی است که بین ما و طرف مقابل مذاکره بوده و به صورت رسمی ایجاد شده است»^۳

^۱ موسوی فضل الله، بازخوانی برجام، قابل دسترسی در سایت همشهری آنلاین به آدرس

<http://hamshahronline.ir/details/۳۰۲۸۹۸/Iran/foreignpolicy>

^۲ قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت علاوه بر برجام تعهدات دیگری را در پیوست «ب» مقرر داشته که از جمله آنها می‌توان به بند ۳ در خصوص موضوعات موشکی اشاره نمود، این بند مقرر می‌دارد: «از ایران خواسته میشود تا هشت سال پس از «روز قبل توافق» یا تا زمانی که آژانس گزارشی مبنی بر تأیید «نتیجه‌گیری گسترده تر» ارائه کند، هر کدام زودتر حادث شود، هیچ فعالیتی مرتبط با موشک‌های بالستیک طراحی شده برای قابلیت حمل سلاح‌های هسته‌ای، شامل پرتاب با استفاده از چنین فناوری‌های موشک‌های بالستیک، صورت ندهد.»

^۳ ظریف، حکایت مفصل ظریف و شورای راهبردی روابط خارجی، قابل دسترسی در پایگاه اطلاع رسانی شبستان، ۱۳۹۴/۵/۱۴

وی تصریح می نماید: «در مورد الزام حقوقی طرف مقابل برای انجام تعهدات، ما یک توافق چند جانبه به اسم برجام داریم که این توافق توسط شورای امنیت تایید شده. این توافق ما و طرف مقابل است» (همان)

مطابق با این فرض اولاً قطعنامه شورای امنیت و برجام دو سند حقوقی مجزا از یکدیگر، با ماهیتی متفاوت می باشند؛ هر چند به علت وحدت موضوع بر یکدیگر تأثیرگذار خواهند بود. ثانیاً اثر حقوقی این تفکیک آن است که مطابق با متن برجام، نقض قطعنامه به منزله نقض برجام به حساب نمی آید؛ با وجود این باید توجه داشت که نقض تعهدات برجام پس از واجد اثر شدن سند برجام روز قبول توافق، به معنای نقض هر دو سند قطعنامه و برجام است. لازم به ذکر است که هیچ کدام از ماهیت‌های ذکر شده با یکدیگر تزامنی ندارند و ایجاد ماهیت قطعنامه‌ای برای متن برنامه جامع اقدام مشترک، ماهیت توافق بودن آن را تغییر نمی‌دهد. از همین رو با پذیرش این فرض به عنوان فرض مختار پژوهش حاضر باید در پی یافتن جایگاه و ماهیت موافقت‌نامه‌های بین‌المللی و همچنین قطعنامه‌های شورای امنیت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران بود.

ذکر این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که چنانچه مطابق با آنچه پیش از این نیز بیان گردید و بر مبنای متن نهایی توافق، برجام صرفاً ضمیمه قطعنامه شورای امنیت نبوده و ماهیتی متفاوت از آن داشته باشد، علت لزوم تصویب قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل با وجود توافق طرفین در یک توافق بین‌المللی چیست؟ در پاسخ به این سؤال باید بیان نمود از یکسو از آنجاکه بخشی از تحریم‌های ظالمانه علیه جمهوری اسلامی ایران به‌وسیله قطعنامه‌های شورای امنیت وضع گردیده و رفع آن‌ها نیازمند قطعنامه دیگری از شورای امنیت مبنی بر رفع تحریم‌ها بوده است و از سوی دیگر قطعنامه می‌تواند در عرصه بین‌المللی تضمین مناسبی برای اجرای توافق به‌وسیله طرف‌های مذاکره‌کننده باشد؛ طرفین مذاکره، تصویب قطعنامه شورای امنیت را در این موضوع امری ضروری دانسته‌اند.

۳- تأثیر خروج از برجام بر اجرای تعهدات تجاری بین‌المللی

متعاملین بر مبنای اصول حقوقی از جمله «اصل وفای به قراردادها» ملزم به ایفای تعهدات قراردادی ناشی از قراردادهای تجاری بین‌المللی هستند^۱، اما خروج یک‌جانبه از برجام، اجرای تعهدات ناشی از قراردادهای تجاری بین‌المللی را که قبلاً بین اشخاص و شرکت‌های ایرانی با طرف‌های خارجی منعقد شده^۲، تحت تأثیر قرار داده است. بازگشت تحریم‌های اعمال شده قبلی و حتی اعمال تحریم‌های جدید به واسطه خروج از برجام اجرای تعهدات قراردادی را سخت یا غیرممکن ساخته است. از این‌رو در ابتدا وضعیت حقوقی بقا یا زوال قراردادهای منعقد و در

<http://shabestan.ir/detail/News/476998>

^۱ براساس ماده ۳-۱ از اصول یونیدورا «قراردادی که به شکل معتبر می شود، برای طرفین الزام آور است و فقط مطابق با شروط آن یا با توافق طرفین یا به نحو دیگری که در این «اصول» مقرر شده است، می‌توان آن را اصلاح یا به آن خاتمه داد.

^۲ قابل ذکر است که خروج ایالات متحده از برجام حتی از قراردادهای میان اشخاص ایرانی را که با یکدیگر منعقد نموده‌اند، در مواردی تحت تأثیر قرار داده است. به عنوان مثال فروشنده ایرانی نتوانسته است به تعهدات خود در برابر خریدار ایرانی مبنی بر تهیه و تدارک کالا اقدام نماید، زیرا قادر به تأمین مواد اولیه از کشور دیگر نبوده است.

مرحله بعدی امکان استناد به معاذیر قراردادی از جمله فورس ماژور، هاردشیپ و فعل شخص ثالث و در نهایت امکان سنجی جبران خسارت در وضعیت ورود خسارت نیازمند بررسی است.

۱-۳- وضعیت حقوقی اعتبار قرارداد

برای بررسی تأثیر خروج از برجام نسبت به قراردادهای منعقد در زمان تعهد و پابندی طرفین به برجام، ابتدا باید وضعیت بقا یا زوال قرارداد بررسی شود، زیرا تحلیل مسئولیت ناشی از عدم اجرای قرارداد ارتباط مستقیم به این موضوع دارد. در واقع برخی از قراردادهای تجاری تحت تأثیر خروج ایالات متحده از برجام قرار گرفته و اقدامی که دولت (به عنوان شخص ثالث) سبب شده است تا اجرای قرارداد ناممکن یا بسیاری زیان بار گردد. عوامل تأثیرگذاری نظیر عدم امکان پرداخت مبلغ قرارداد به لحاظ بازگشت تحریم‌های بانکی و یا عدم اجرای قرارداد از سوی متعهد به لحاظ اجتناب از عواقب زیان بار آن یا حتی اعمال مجازات‌های مالی از جمله اسباب اختلال اجرا به شمار می‌رود.

الف- اثر توافق طرفین بر بقا یا زوال قرارداد

شرایط و مفاد توافق طرفین قرارداد می‌تواند در بقا یا زوال قرارداد مؤثر باشد. ممکن است طرفین قرارداد به هنگام انعقاد آن اثر تحریم‌های احتمالی آینده یا اعاده تحریم‌های لغوشده قبلی را پیش‌بینی نمایند. به طور کلی این پیش‌بینی ممکن است ناظر بر میزان و قابلیت تأثیرگذاری تحریم‌ها بر تعهدات قراردادی طرفین و همچنین بقای انحلال قرارداد باشد. به عنوان مثال، ممکن است طرفین توافق کنند که در صورت بازگشت تحریم‌ها یا وضع تحریم‌های جدید، قرارداد همچنان معتبر باشد اما به مدت معینی به حالت تعلیق درآید و احتمال دارد طرفین توافق نمایند که به واسطه باز اعمال تحریم‌ها، طرفین مکلف هستند تا با یکدیگر در خصوص امکان بقا یا انحلال قرارداد مذاکره نموده و به یک تصمیم مشترک دست یابند و یا حتی انفساخ قرارداد به صورت اتوماتیک در صورت اعمال تحریم‌ها پیش‌بینی شود. همچنین ممکن است که حق فسخ قرارداد برای هر دو طرف یا یکی از آن‌ها در صورت اعمال تحریم پیش‌بینی شود. هر یک از توافقات مذکور می‌تواند در قالب شرط مستقل ناظر بر تحریم‌ها در قلمرو شروط مربوط به فورس ماژور یا هاردشیپ مد نظر قرارگیرد. به عنوان اصل کلی وفای به تعهدات می‌توان گفت که چنین شروطی بر طبق اراده طرفین معتبر و دارای اثر حقوقی خاص خواهد بود.

توافق طرفین قرارداد در خصوص هریک از موارد یاد شده بستگی به قدرت چانه‌زنی طرفین به هنگام انعقاد قرارداد دارد. بدیهی است که اعمال تحریم‌های متعدد علیه ایران و شرکت‌های ایرانی، قدرت چانه‌زنی تجار ایرانی را به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش داده است. آنچه مسلم است اینکه توافق طرفین تحت هر شکلی نقش تعیین‌کننده در بقا و زوال قرارداد دارد و در چنین وضعی نمی‌توان در بدو امر به قوانین داخلی از جمله قانون حاکم بر قرارداد یا قانون متبوع هر یک از طرفین قرارداد یا حتی قانون کشور ثالث (مانند قانون کشور تحریم‌کننده) رجوع نمود، اگرچه به‌نحوی که در بخش بعدی موردبررسی قرار خواهد گرفت تحت شرایطی قوانین آمره داخلی می‌تواند در بقا یا زوال قرارداد تأثیرگذار باشد.

توافق طرفین راجع به هر یک از انواع شروط یادشده در صورتی معتبر است که به موجب قانون حاکم بر قرارداد، چنین شروطی از اعتبار ماهوی برخوردار باشد، زیرا توافق طرفین بر بقایا زوال قرارداد از جمله موضوعات ماهوی است که در محدوده قواعد ماهوی قانون قابل اعمال قرار دارد و روشن است که پاسخ بقا یا زوال قرارداد را باید در قانون حاکم و در پرتو شروط یاد شده جستجو نمود. به عنوان نمونه شرط رفع مسئولیت (محدود کننده یا مستثنی کننده) معتبر تلقی می شود، اما شرط بقای تعهد و رابطه قراردادی در صورت وقوع فورس ماژور در حقوق ما محل تردید است. عده ای از حقوقدانان بر این اعتقادند که حتی با قرارداد نیز نمی توان این شرط را حذف و اجرای تعهد را حتی در صورت تحقق فورس ماژور تقبل کرد و چنین شرطی در نظر این گروه از حقوقدانان باطل است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۹، ذیل ماده ۲۲۷؛ شهیدی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۲۹) اما برخی دیگر از حقوقدانان تضمین اجرای عقد یا گارانتی را در فرض فورس ماژور مانند حقوق فرانسه پذیرفته اند. (کاتوزیان، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۲۲۷-۲۲۴) در خصوص شرط ضمان مستأجر یا مضارب قانون مدنی ایران، حکمی در این باره ندارد اما مشهور فقها چنین شرطی را معتبر ندانسته و در مقابل برخی معتقدند که بر اساس اصل آزادی قراردادهای چنین شروطی نافذ تلقی می شود. (خرسندیان و سایرین، ۱۳۹۶، ص ۳۲۶) در نظام کامن لا امکان درج شرط خلاف معاذیر قراردادی معتبر است و به آن "Hell or High Water Clause" گفته می شود، یعنی در هر شرایطی حتی فراستریشن و ناممکن بودن بودن اجرا، تعهدات قراردادی به قوت خود باقی است. (Nathan M. Crystal & Francesca Giannoni-Crystal, Issue, ۲۰۱۰)

ب- اثر قوانین امره بر بقا یا زوال قرارداد

یکی از قوانینی که می تواند در خصوص بقا یا زوال قرارداد مورد توجه قرار گیرد، قانون حاکم بر قرارداد است. معمولاً در قوانین داخلی و حتی اسناد بین المللی، مقرر صریحی راجع به اثر اعمال تحریم بر روابط قراردادی ملاحظه نمی شود، اما وضعیت تحریم می تواند به عنوان یکی از مصادیق مفاهیم کلی فورس ماژور یا هاردشیپ مورد توجه قرار گیرد که البته در بخش های بعدی نوشتار مورد توجه قرار خواهند گرفت.

از قوانین دیگری که می تواند در تشخیص بقا یا زوال قرارداد مورد نظر قرار گیرد، قوانین متبوع طرفین قرارداد است ولو آنکه به عنوان حاکم در نظر گرفته نشود.

با خروج آمریکا از برجام در ۸ می ۲۰۱۸ و طبق دستورالعمل وزارت خزانه داری آمریکا، تمامی تحریم های رفع شده بر اساس برنامه جامع اقدام مشترک باز اعمال گردید و اداره نظارت بر کنترل دارایی ها (OFAC) در صورت نقض قوانینی که به موجب آن، ایران مورد تحریم قرار گرفته بود از جمله داماتو، با ضمانت اجراهای این قانون مواجه

^۱ نظام حقوقی کشورها و همچنین کنوانسیون رم ملاک قانون حاکم در قراردادهای بین المللی را دو مورد تعیین کرده است: مورد اول، اصل آزادی طرفین در انتخاب قانون صلاحیت دار و مورد دوم، در صورت سکوت اعمال قانونی که بیشترین ارتباط را با قرارداد بند ۲ ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین المللی ایران مصوب ۱۳۷۶ نیز، انتخاب قانون حاکم در قراردادهای تجاری بین المللی را به رسمیت شناخته است. در بند الف ماده ۴ کنوانسیون بیع بین المللی کالا امکان رجوع به قانون ملی و داخلی در خصوص اعتبار ماه وی قرارداد پیشبینی شده است، از این جهت در تعیین اعتبار قراردادهای و آثار آن میتوان به نظام حقوق داخلی مراجعه کرد. (شعاریان و رحیمی، ۱۳۹۵، صص ۹۸-۹۷)

خواهد شد به طوری که بر اساس این قانون مهلت برای خاتمه روابط قراردادی با ایران به صورت آمره تعیین شده و بایستی تمامی قراردادهای منعقد بین این کشور و اتباع ایرانی بعد از گذشت مهلت‌های ۹۰ و ۱۸۰ روزه خاتمه داده شود و بعد از این مدت اگر ادامه روابط تجاری ملاحظه شود، با ضمانت اجراهای مشخص در این مورد برخورد خواهد شد. از این رو رعایت آن برای شخص دارای تابعیت دولت خارج شده به عنوان قانون آمره تلقی می‌شود.^۱

سؤال مطروحه این است که خاتمه قرارداد در چنین شرایطی تا چه اندازه می‌تواند بر مسئولیت طرف قرارداد که امکان اجرای قرارداد برای او دیگر فراهم نیست، اثر داشته باشد. بی‌تردید راه حل اول را باید در قانون حاکم جستجو نمود. همچنین هرگونه شروط قراردادی که اثر چنین وضعیتی را پیش‌بینی نموده باشد می‌تواند نقش تعیین‌کننده داشته باشد؛ اما به عنوان قاعده کلی، طرفی که قانون متبوع او (در فرض مسئله ایالات متحده) خاتمه قرارداد را الزامی کند، از مسئولیت معاف نمی‌شود، مگر اینکه اثبات نماید که چنین قوانین امری برای خاتمه دادن به قرارداد و نتیجتاً عدم اجرای تعهدات برای وی در حکم فورس مازور یا قوه قاهره است.

۲-۳- اثر حقوقی تحریم بر تعهدات قراردادی

اثر حقوقی برجام می‌تواند در پرتو شروط قراردادی ناظر بر مسئولیت و همچنین معاذیر عدم اجرای قرارداد به صورت مستقل مورد بررسی قرار گیرد.

الف- اثر شروط قراردادی مستثنی یا محدودکننده مسئولیت

در بسیاری از قراردادهای تجاری بین‌المللی، شروط ناظر بر اثر تحریم‌ها پیش‌بینی می‌شود تا طرفین آثار آتی آن را مد نظر داشته باشند. یکی از شروط رایج در این خصوص شرط معافیت از مسئولیت با لحاظ اعمال تحریم‌های بین‌المللی است. طرفین ایرانی قراردادهای بین‌المللی، برعکس تمایل دارند تا شروطی را در قراردادها بگنجانند که طرف مقابل حق استناد به تحریم برای معافیت از مسئولیت را نداشته باشد. بدیهی است که درج هر یک از دو نوع شروط یاد شده به قدرت چانه‌زنی طرفین قرارداد وابسته است.

در یکی از پرونده‌های مطروحه در دادگاه عالی انگلیس و ولز^۲ موضوع شرط مندرج در قرارداد بیمه که مسئولیت بیمه‌گر را در پرداخت خسارت به جهت ممنوعیت قانونی ناشی از تحریم، معاف یا محدود می‌کرد، مورد بررسی قرار گرفت. در این قضیه محموله شمش فولادی از روسیه به ایران که ارزشی بالغ بر ۳/۸ میلیارد دلار داشت، به سرقت رفت و ذی نفع بیمه‌نامه خواستار پرداخت میل مذکور شد. در مقابل بیمه‌گر به شرط قراردادی محدودکننده و

^۱ دستورالعمل وزارت خزانه داری ایالات متحده امریکا قابل دسترس در:

<https://www.treasury.gov/resource-center/sanctions/Programs/Documents/jcpoa_winddown_faqs.pdf>

^۲ Mamancochet Mining Ltd v. Aegis Managing Agency Ltd. [۲۰۱۸] EWHC, available at: <http://www.bailii.org/ew/cases/EWHC/Comm/۲۰۱۸/۲۶۴۳.html>.

مستثنی‌کننده تحریم^۱ استناد کرد و ادعا نمود که با لحاظ تحریم‌های ایالات متحده و اتحادیه اروپا از مسئولیت معاف است. در اثنای رسیدگی به این پرونده و هم‌زمان با خروج ایالات متحده از برجام این نگرانی برای خواهان ایجاد شد که ممکن است رأی دادگاه در دوره زمانی معافیت (یعنی تاریخ ۱۳ آبان - ۴ نوامبر ۲۰۱۸) که ایالات متحده تعیین نموده است، صادر نشود و آثار ناشی از بازگشت تحریم، مانع پرداخت خسارت شود. با این حال در ۱۲ اکتبر ۲۰۱۸ و در فاصله زمان اندکی به پایان دوره معافیت مذکور دادگاه عالی انگلیس رأی خود را صادر و اعلام داشت که نه‌تنها پرداخت خسارت تا ساعت ۱۲ شب ۴ نوامبر ۲۰۱۸ ممنوع نیست، بلکه شرط ناظر بر معافیت از مسئولیت به‌واسطه تحریم از چنان صراحتی برخوردار نیست که بتواند موجب رفع مسئولیت شود و استناد بیمه‌گر را در این که قوانین و مقررات مانع پرداخت است، رد نمود. در حقیقت، دادگاه با توجه به قانون حاکم (انگلیس) و بی‌آنکه وارد موضوع فورس ماژور شود، مقرر داشت که عبارات کلی مندرج در شرط (ممنوعیت قانونی) شامل تحریم‌ها نیست. در این قضیه هر چند به بازگشت تحریم‌ها اشاره نشده است، اما با توجه به استدلال دادگاه می‌توان نتیجه گرفت که حتی بر فرض اینکه رأی صادره بعد از تاریخ ۴ نوامبر ۲۰۱۸ صادر می‌شد، تأثیری در تصمیم دادگاه ایجاد نمی‌کرد، زیرا دادگاه به لحاظ ابهام شرط معافیت از مسئولیت، استدلال خوانده را رد کرده است.^۲

نکته مهمی که در استدلال دادگاه بدان اشاره شده است، تمایز میان «در معرض تحریم» و «در معرض خطر مورد تحریم واقع شدن» است. مورد اول ناظر به وضعیتی است که اقدام مورد نظر بلافاصله شخص را در معرض تحریم قرار می‌دهد و آثار تحریم آغاز می‌شود، اما مورد دوم به وضعیتی اشاره دارد که اقدام خاصی، شخص را در معرض قرار گرفتن در لیست تحریم قرار می‌دهد. در این پرونده شرط مورد نظر که به نفع بیمه‌گر پیش‌بینی شده بود، ناظر بر پرداختی بود که انجام آن، وی را در معرض تحریم قرار گرفتن قرار می‌داد و مستقیماً مانع پرداخت نبوده است. وضعیت اول را که اقدام طرف قرارداد، او را در معرض تحریم قرار می‌دهد، به‌عنوان نقض واقعی تحریم‌ها مد نظر قرار داده‌اند.^۳

در این خصوص کلمات و عبارات بکار رفته در شرط معافیت از مسئولیت به لحاظ تحریم نقش مهمی در تفسیر قضیه خواهد داشت. چنانچه شرط مورد نظر قبل از بازگشت تحریم‌ها در متن قرارداد گنجانده شده باشد، باید بررسی شود که عبارات آن تا چه اندازه می‌تواند بازگشت تحریم‌ها را نیز تحت پوشش قرار دهد. به نظر می‌رسد اثر وضع تحریم جدید با اثر بازگشت تحریم یکسان است، زیرا در هر دو وضعیت ممنوعیت‌هایی را برای انجام معاملات به همراه دارد و بازگشت تحریم اثری همانند وضع تحریم به دنبال دارد؛ بنابراین اگر ادعا شود که شروط معافیت راجع

^۱ Sanction Limitation and Exclusion Clause

^۲ Kilpatrick Richard L, Vol. ۲۵, (۲۰۱۹), p. ۲۹۷

^۳ Kelly Jonathan, "Between Sanctions Exposure and Commercial Liability: Do You have the Protection You Need?", ۱۶ Oct ۲۰۱۸, <[https:// riskandcompliance.freshfields.com/post/۱۰۲f۳۷۰/between-sanctions-exposure-and-commercial-liability-do-you-have-the-protection-y](https://riskandcompliance.freshfields.com/post/۱۰۲f۳۷۰/between-sanctions-exposure-and-commercial-liability-do-you-have-the-protection-y)>

به تحریم، ناظر بر وضع تحریم‌های جدید است و شامل اعاده تحریم‌های قبلی نیست، چندان قابل توجیه به نظر نمی‌رسد.

باید توجه داشت که درج شروط راجع به معافیت از مسئولیت به جهت تحریم می‌تواند دو اثر متفاوت داشته باشد. یا اجرای تعهد را معلق می‌سازد و یا اینکه از اساس آن را از بین می‌برد. علاوه بر اینکه عبارات شرط در این زمینه تعیین‌کننده است و باید به دقت معنی و تفسیر شود، اوضاع و احوال حاکم از جمله نوع تعهد و اجرای بخشی از تعهدات از سوی متعهد می‌تواند در این خصوص کمک کند. به عنوان مثال اگر مبیع در اختیار خریدار قرار گرفته باشد در معرض تحریم قرار گرفتن وی و عدم پرداخت مبلغ قرارداد، به معنای سقوط تعهد خریدار نیست، بلکه چنین تعهدی به حال تعلیق درمی‌آید تا پس از رفع آن ایفا شود؛ اما گاهی تحری مانع ارسال کالا از سوی فروشنده به خریدار است که در چنین حالتی می‌تواند موجب سقوط تعهد شود که البته متقابلاً زوال تعهد خریدار را نیز به دنبال خواهد داشت. در فرض اخیر اثر تحریم سبب سقوط تعهدات طرفین و در نتیجه انفساخ قرارداد خواهد شد.

ب- خروج از برجام به عنوان معاذیر عدم اجرای قرارداد

در فرضی که به‌رغم تحریم قرارداد تجاری بین‌المللی همچنان معتبر و باقی فرض شود باید تأثیر چنین تحریم‌هایی را بر نحوه اجرای تعهدات طرفین مورد بررسی قرار داد. دو مفهوم حقوقی که در این ارتباط مورد توجه قرار گرفته است عبارت از فورس مازور و هاردشیب می باشد که هر کدام آثار متفاوتی دارند و بایستی جداگانه موردبررسی می‌گیرد.

- خروج از برجام، مصداقی از فورس مازور

قانون مدنی ایران در مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ دو وصف از اوصاف فورس مازور یعنی خارجی بودن و مقاومت‌ناپذیری را به تبعیت از حقوق فرانسه پذیرفته است، اما راجع به ویژگی سوم آن یعنی غیر قابل پیش‌بینی بودن تصریح ننموده است؛ لیکن حقوقدانان ما وصف اخیر را نیز برای تحقق فورس مازور لازم دانسته‌اند. اغلب نویسندگان ایرانی در مورد شرط خارجی بودن نیز معتقدند مقصود قانون‌گذار، خروج مانع از حیطه اقتدار و کنترل شخص متعهد است به‌نحوی که مانع استناد تقصیر یا عهدشکنی به او باشد.^۱

با تحقق فورس مازور به صراحت مواد ۲۲۷ و ۲۲۹، متعهد از جبران خسارات ناشی از عدم اجرای تعهد معاف است. مبنای این معافیت این است که عدم اجرا قابل استناد به متعهد نیست و احراز انتساب عرفی زیان به عامل آن از شروط اساسی مسئولیت قراردادی است. از دیگر آثار فورس مازور تعلیق یا انفساخ قرارداد است و هر چند در قانون مدنی ما به این موضوع صریحاً اشاره نشده است، اما عدم امکان اجرا اگر دائمی باشد موجب انفساخ عقد است و چنانچه موقت باشد سبب تعلیق اجرای تعهد خواهد بود.

^۱ کاتوزیان، پیشین، ص ۱۷۴ به بعد.

بر اساس ماده ۷۹ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، متعهدی که قادر به انجام تعهدات خود نیست، زمانی معاف از پرداخت خسارت می‌باشد که اثبات نماید عدم ایفای تعهد به سبب مانع خارج از کنترل وی بوده و نتوان به‌طور معقول از وی انتظار داشت که در زمان انعقاد قرارداد مانع مزبور را مدنظر قرار داده یا از آن اجتناب نموده یا بر آن یا آثار آن غلبه کند.^۱

در رویه قضایی محاکم ایران آرای بسیاری وجود دارد که به موجب آن وضع اعمال تحریم اقتصادی مصداق فورس مائور تلقی و معافیت متعهد از جبران خسارت را به همراه داشته است. به عنوان مثال در رأی مورخ، ۱۳۹۲/۲/۲۵ شعبه ۱۰ دادگاه تجدید نظر استان تهران آمده است که: «تحریم‌های اقتصادی کنونی اعمال شده توسط کشورهای غربی می‌تواند از مصادیق فورس مائور در انجام تعهداتی که مشمول تحریم‌هاست محسوب شود و مشخصاً در مورد تأمین مواد از آن کشورها تأمین اجناس مورد تحریم توسط برخی افراد که به‌صورت خاص و از طریق ارتباطات خاص افراد صورت می‌گیرد نمی‌تواند نافی فورس مائور تلقی شود»^۲. با این حال در برخی دیگر از آرای صادره اظهار نظر شده است که: «تحریم‌های اقتصادی کشور در قراردادهای کوتاه‌مدت با توجه به قابل پیش‌بینی بودن آن‌ها، نمی‌تواند به‌عنوان عامل فورس مائور موجب سلب مسئولیت متعهد از ایفای تعهد قراردادی خود شود»^۳.

خروج از برجام و اعاده تحری نیز می‌تواند در صورت دارا بودن شرایط یاد شده، مصداقی از فورس مائور تلقی شود و سبب معافیت از جبران خسارت شود؛ اما نکته قابل توجه این است که به‌رغم معافیت متعهد باید به این پرسش پاسخ داده شود که آیا امکان مطالبه خسارت از دولت ایالات متحده به‌واسطه احراز رابطه علیت وجود دارد یا خیر؟ به این موضوع در مطالب آتی اشاره می‌شود.

– خروج از برجام به‌منزله هارد شیب

به همان اندازه که در مرحله انعقاد قرارداد، وجود تعادل اقتصادی میان تعهدات طرفین اهمیت دارد و می‌تواند اجرای تعهدات متقابل را تضمین کند، بقای چنین توازن و تعادلی در مرحله اجرای قرارداد نیز مهم و حیاتی است. در مرحله انعقاد قرارداد، وجود غبن فاحش سبب می‌شود تا مغبون برای جبران ضرر ناشی از عدم تعادل عوضین، قرارداد را فسخ کند یا به پیشنهاد غابن برای پرداخت ارزش رضایت دهد. خیار غبن مقرر در ماده ۴۱۶ ق.م.ب. این اساس مقرر شده است؛ اما حقوق ما با غبن حادث بیگانه است و قانون مدنی حکمی درباره آن پیش‌بینی نکرده است. در چند دهه اخیر لزوم بازگرداندن تعادل به قرارداد مطرح و نظریه هاردشیپ تکامل یافته است. در ماده ۲-۲-۶ اصول قراردادهای بازرگانی بین‌المللی چنین نهادی شناسایی شده است. همچنین در ماده ۱۱۱-۶ اصول حقوق قراردادهای اروپا حکمی مشابه در نظر گرفته شده است. به‌موجب این نظریه هرگاه تعادل اقتصادی قرارداد به‌طور اساسی از بین

^۱ Mazzacano P J, Force Majeure,, (۲۰۱۱), at ۴۸

^۲ Available at: <<http://j.ijri.ir/SubSystems/Jpri2/Showjudgement.aspx?id=ZFZLalpbQ2V1ZGc1>>.

^۳ رأی شماره ۱۳۹۳/۹/۲۶ مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۶ شعبه ۳۲ دادگاه تجدید نظر تهران در منبع زیر:
<<http://j.ijri.ir/SubSystems/Jpri2/Showjudgement.aspx?id=SzFYTHB0Mk1ScVe1>>.

برود به نحوی که هزینه اجرای تعهد برای یک طرف افزایش یابد یا ارزش دریافتی از اجرای تعهد کاهش یابد، هاردشیپ تحقق می‌یابد مشروط بر اینکه بره خوردن تعادل اقتصادی بعد از انعقاد قرارداد رخ دهد و زیان دیده نیز امکان پیش‌بینی وقایعی را که منجر به عدم تعادل شده، نداشته باشد. مضافاً بر این دو شرط، وقایع یادشده بایستی خارج از کنترل زیان دیده باشد.^۱ در چنین حالتی اجرای تعهد از لحاظ اقتصادی بی‌اندازه دشوار می‌شود، بی‌آنکه مانند وضعیت فورس مازور اجرای تعهد ناممکن شود. ضمانت‌های اجرایی متعددی برای وضعیت هاردشیپ پیش‌بینی شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به شرط مذاکره مجدد، تعدیل قرارداد و نهایتاً فسخ قرارداد اشاره نمود.^۲

در حقوق ما برخی با استناد به نظریه سوء استفاده از حق و استفاده بلاجهت، امکان تعدیل قرارداد را تأیید نموده‌اند.^۳ سؤال این است که آیا خروج ایالات متحده از برجام می‌تواند تحت عنوان هاردشیپ قرارگیرد یا خیر؟ در ارتباط با وضع تحریم گفته شده است که اگر شرایط هاردشیپ موجود باشد، می‌توان به این نظریه استناد نمود.^۴ خروج از برجام که منجر به اعاده تحریم‌ها و حتی افزایش تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا شده است، می‌تواند تحت پوشش تئوری هاردشیپ قرار گیرد و سبب معافیت از جبران خسارت شود. باید توجه داشت که رکن قابلیت پیش‌بینی در این خصوص نقش عمده‌ای بازی می‌کند.

باید روشن شود که خروج ایالات متحده از برجام تا چه اندازه برای طرفین قراردادهای تجاری بین‌المللی قابل پیش‌بینی بوده است. به نظر می‌رسد که خروج از برجام و اعاده تحریم‌ها قابل پیش‌بینی نبوده است، چرا که شرکت‌های عمده تجاری و بازرگانی بلافاصله بعد از برجام راهی ایران شدند و حتی قبل از امضای برجام نیز مذاکرات آن‌ها با شرکت‌های ایرانی آغاز شده بود. همچنین ۷ کشوری که در برجام دخالت داشته‌اند در جامعه بین‌المللی نقش تأثیرگذاری دارند و احتمال خروج از برجام امری بعید تلقی می‌گردد. درهرحال واقعیت این است که شرکت‌ها و اشخاص بسیاری تحت تأثیر خروج آمریکا از برجام در شرایط هاردشیپ قرار گرفته‌اند و اجرای تعهدات قراردادی به ویژه برای شرکت‌های اروپایی با ضمانت اجراهای سنگین مالی و جریمه همراه بوده است و بدیهی است که هزینه اجرای تعهد برای آنان بسیار افزایش یافته است؛ بنابراین می‌توان گفت که در صورت تحقق شرایط هاردشیپ به جهت باز اعمال تحریم‌ها، طرفی که تحت تأثیر هاردشیپ قرار گرفته است، مسئولیتی به جبران خسارت نخواهد داشت، زیرا در چنین شرایطی معمولاً موعد قرارداد منقضی نشده است و راه مذاکره برای تعدیل هموار است. باید توجه داشت که قانون حاکم بر قرارداد در ترتب آثار هاردشیپ نقش اساسی ایفا می‌کند و به عبارت دیگر بر مبنای حقوق ماهوی حاکم بر قرارداد بایستی آثار هاردشیپ تعیین می‌شود.

^۱ Stefan Vogenauer, (۲۰۱۵) at. ۸۱۴

^۲ Art. ۶, ۲, ۳ of UNIDROIT Principles (۲۰۱۶ ed.).

^۳ کاتوزیان، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۸۲

^۴ عابدیان و گلشنی، ۱۳۹۶، ش ۷۹، صص ۱۶۶ - ۱۶۵

نتیجه گیری

۱- آنچه به نظم در عرصه بین‌المللی قوام می‌بخشد هنجارهای مربوط به قرارداد و حفظ قول یا وفای به عهد است. بر این اساس اقدامات نامشروع واشنگتن می‌تواند موجبات تضعیف قواعد مشترک بین‌المللی و حقوق بین‌الملل و به‌طور خاص منشور ملل متحد را فراهم کرده و به‌عنوان عامل بر هم خوردن نظم و صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شود؛ که این عامل ایالات متحده را دچار مسئولیت بین‌المللی می‌نماید. از سوی دیگر هر چند روسیه، چین و اتحادیه اروپا در قبال این رفتار ایالات متحده از همان لحظات ابتدایی، اظهار تأسف نموده و آن را مردود اعلام کردند، اما عدم اقدام مناسب این کشورها و انفعال شورای امنیت به‌ویژه در رابطه با نقض قطعنامه ۲۲۳۱ حاکی از این است که این کشورها نیز به‌نوعی تسهیل‌کننده اقدام واشنگتن بوده‌اند؛ بنابراین این سکوت نافی مسئولیت شورای امنیت در این موضوع نخواهد بود و طبق ماده ۳۳ منشور این شورا به‌وضوح در مأموریت تعریف شده خود اهمال نموده است. حال آنکه انفعال سایر کشورهای عضو گروه ۵+۱ نیز تا حدودی مسئولیت بین‌المللی را متوجه آن‌ها می‌سازد.

۲- اجرای آن دسته از قراردادهای بازرگانی بین‌المللی که مستقیماً تحت تأثیر تحریم‌ها بوده است، به‌واسطه خروج ایالات متحده از برجام و اعاده تحریم‌ها با مانع جدی مواجه شده این مانع به‌خودی‌خود می‌تواند حسب مورد به‌عنوان فورس ماژور یا هاردشیپ تلقی و متعهد را از مسئولیت به جبران خسارت معاف سازد؛ اما از آنجایی که ایجاد شرایط فورس ماژور یا هاردشیپ معلول اقدام دولت ایالات متحده است، مسئولیت این کشور به جبران خسارت ناشی از ناممکن شدن اجرای تعهدات قراردادی یا بی‌اندازه سخت شدن اجرای آن قابل تحلیل و بررسی است. چنین مسئولیتی منوط به حصول دو شرط است: اولاً عدم امکان اجرای قرارداد بین‌المللی به اقدام امریکا در خروج از برجام منتسب باشد و ثانیاً کشور مزبور مرتکب نقض تعهد بین‌المللی شده باشد. در حصول شرط اول تردیدی نیست، اما در خصوص شرط دوم و نقض تعهد بین‌المللی نظریات دوگانه است. بر اساس نظری که برجام را یک توافقنامه سیاسی صرف می‌داند، حصول شرط دوم و به‌تبع آن مسئولیت ایالات متحده منتفی است، اما به موجب نظر دیگری که برجام را یک سند حقوقی بین‌المللی الزام‌آور می‌شناسد، می‌توان گفت که یک تعهد بین‌المللی به واسطه خروج امریکا از برجام نقض شده است که با این وصف مسئولیت به جبران خسارت نیز قابل شناسایی است. دیدگاه اخیر موجه‌تر به نظر می‌رسد.

منابع

۱- ابراهیمی، شهروز و زمانیان، روح، ۱۳۸۹، «معناگرایی از منظر مکتب انگلیسی در روابط بین‌الملل»، فصلنامه پژوهش سیاست، سال دوازدهم، شماره ۲۹

۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۹، مجموعه محشای قانون مدنی، تهران، نشر گنج دانش

۳-خوړسندیان و سایرین، ۱۳۹۶، «بررسی شرط ضمان عین مستأجره در فقه امامیه»، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی

۴-شایگان، فریده، عبداللهی رودمعجنی، مجتبی، ۱۴۰۰، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۱، ش ۲

۵-شعاریان و رحیمی، ۱۳۹۵، حقوق بیع بین‌المللی (شرح کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در پرتو دکترین و رویه قضایی)، چاپ دوم، تهران: انتشارات شهر دانش

۶-شهیدی، مهدی، ۱۳۸۲، حقوق مدنی، آثار قراردادهای، تهران: نشر مجد

۷-ضیایی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۸۵، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، کتابخانه گنج دانش

۸-عابدیان کلخوران و عصمت گلشنی، ۱۳۹۶، «آثار تحریم بر قراردادهای تجاری بین‌المللی: نتایج عدم رفع تحریم های تجاری ناظر بر صادرات، علی رغم انتظار طرفین در زمان انعقاد قرارداد»، فصلنامه تحقیقات حقوقی شماره ۷۹

۹-کاتوزیان، ناصر، ۱۳۶۸، قواعد عمومی قراردادهای، تهران، نشر بهنشر

۱۰-کاتوزیان، ۱۳۹۲، قواعد عمومی قراردادهای، تهران، نشر انتشار

۱۱-محسنی و قوام، سیدعبدعلی و محسنی، سمیرا، ۱۳۹۴، «ظرفیت نظریه‌های روابط بین‌الملل برای ایجاد تعامل و تقارب با حقوق بین‌الملل»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره ۱۸

۱۲-مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۹۵، تحول در نظریه روابط بین‌الملل، تهران، سمت

۱۳-Shoarian E & Rahimi F, "Sanctions and Their Effects on Contractual Obligations: From the Perspective of International Instruments and Iranian Law", Nordic Journal of Commercial Law, No. ۱, (۲۰۱۴), at ۲۰

۱۴-Nathan M. Crystal & Francesca Giannoni-Crystal, "Contract Enforceability During Economic Crisis: Legal Principles and Drafting Solutions", Global Jurist, Volume ۱۰, Issue ۳ Article ۳, (۲۰۱۰), at ۲۸